

## واکاوی انحاء و ابعاد راهبردهای تقویت دیپلماسی نظامی (جهت ثبات امنیت) در اسلام

علی خدابخشی سورشجانی<sup>۱</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناس ارشد علوم قرآنی از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

<sup>۲</sup> دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

### چکیده

دیپلماسی روشی برای حل مسائل مربوط به روابط خارجی یک گروه یا جامعه به وسیله گفتگو یا هر روش مسالمت آمیز دیگر است. از دیرباز تاکنون عمل دیپلماسی برای حفظ ارتباط مسالمت آمیز در میان ملل معروف بوده است. از این رو، مسئله دیپلماسی هم برای شخص و هم برای اجتماع از اهم موضوعات بوده و در تعالیم اسلامی اهمیت زیادی داده شده است. پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که اسلام در حوزه دیپلماسی نظامی مطلوب چه راهبردهایی معرفی می نماید و هر یک از این راهبردها چه گستره ای دارند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر به دنبال استخراج راهبردهای تقویت دیپلماسی نظامی جهت ثبات امنیت است. این پژوهش از نوع نظری است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و از نوع تحقیقات میان رشته ای یا اندر رشته ای در جهت توسعه علوم انسانی است. در یک نگاه کلی، اسلام برای سفیر و دیپلمات ویژگی هایی چون «آراستگی ظاهری، ذکاوت و هوشمندی، کنترل بردباری و احساسات، آشنایی با کشور محل مأموریت، توانمند و کاردان بودن دیپلمات» معرفی می نماید. از طرفی هم ویژگی هایی جهت مذاکره مطلوب معرفی می کند تا انسان ها در ادوار مختلف بتوانند از این تئوری مطلوب استفاده ببرند. دین مبین اسلام برای تقویت دیپلماسی نظامی راهبردهایی را معرفی می نماید؛ از جمله: «اعتزال، ارسال پیام کتبی و شفاهی به سران دولت ها، اعزام نماینده و مذاکرات، مذاکره پیامبر (صلی الله علیه و آله) با سفیران و نمایندگان، کنگره ها و بحث های آزاد، وفای به تعهدات نظامی، از بین بردن زمینه های مخاصمات، مذاکره برای انصراف از درگیری مسلحانه و میانجی گری».

واژه های کلیدی: اسلام، دیپلماسی نظامی، جدال نیک، اعتزال، میانجی گری